

The Quran's Authority in Maintaining Social Relations in a Monotheistic Society with an Emphasis on the Possibility of Social Actualization and Examination of its Hindrances

Sayyid Mohsen Mirsondosi¹

Abstract

With the advent of Islam and the revelation of the Qur'anic verses, the concept of monotheism became the central theme of the Prophet's teachings in such a way that the tribal mindset that had previously prevailed was gradually replaced by the social relations based on faith in God. Using a qualitative content analysis method, this article aims to represent the effective social relations based on "monotheism" on both levels of affirmative and negative factors. Some of the affirmative actions include: fostering brotherly relationships with believers, monitoring the acts of the hypocrites, being prepared for threats from enemies, and establishing relations with people of the Scripture. In contrast, the Qur'an prohibits the believers from certain negative behaviors, such as inaction in relation to enemies, being influenced by the arrogant and satanic environments, and establishing warm and deep relationships with infidels. Effective social relations in light of the Qur'anic teachings not only strengthen the social solidarity and identity of the believers but is also effective in creating the conditions for moving towards a more monotheistic society.

Keywords: the Holy Qur'an, monotheistic society, social relations, the Qur'an's authority, social monotheism.

1. Assistant Professor, Islamic Sciences and Culture Research Institut, (Corresponding Author)
m.sondosi@isca.ac.ir

مرجعیت قرآن در تنظیم روابط اجتماعی جامعه توحیدی با تأکید بر امکان تحقق اجتماعی و بررسی موانع آن*

سید محسن میرسندسی^۱

چکیده

با ظهور اسلام و نزول آیات قرآنی، موضوع توحید، محور اصلی تعالیم نبوی قرار گرفت؛ به گونه‌ای که اندیشه قبیله‌ای که پیش از ظهور اسلام حاکم بود، به تدریج جای خود را به روابط اجتماعی مبتنی بر ایمان به خداوند داد. این نوشتار با هدف بازنمایی روابط مؤثر اجتماعی مبتنی بر «توحید»، در دو سطح عوامل ایجابی و سلبی و با روش تحلیل محتوای کیفی انجام شده است. از مهم‌ترین اقدامات ایجابی می‌توان به گسترش روابط برادری با مؤمنان، مراقبت بر کنش‌های منافقان، آمادگی در مقابل تهدیدات دشمنان و تنظیم روابط با اهل کتاب یاد کرد. در مقابل، قرآن مؤمنان را از برخی اقدامات سلبی همچون انفعال در روابط با دشمنان، تأثیرپذیری از محیط‌های استکباری و طاغوتی و برقراری روابط گرم و عمیق با کافران پرهیز داده است. تنظیم مؤثر روابط اجتماعی در پرتو آموزه‌های قرآن نه تنها منجر به تقویت همبستگی و هویت اجتماعی مؤمنان می‌شود؛ بلکه بر ایجاد زمینه‌های حرکت به سوی جامعه‌ای توحیدی تأثیرگذار خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: قرآن کریم، جامعه توحیدی، روابط اجتماعی، مرجعیت قرآن، توحید اجتماعی.



* تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۲۸، تاریخ تأیید: ۱۴۰۴/۱۱/۲۸.

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22081/jqr.2026.70554.4137

۱. استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی. (نویسنده مسئول) m.sondosi@isca.ac.ir

(ORCID: 0000-0002-8170-6093)

مقدمه

با بعثت نبی مکرم اسلام ﷺ و نزول آیات و حیانی قرآن طی ۲۳ سال پیامبری ایشان، مفاهیمی جدید در عرصه‌های فکری و اجتماعی ظهور نمود. تا قبل از آن اندیشه محوری توحید به‌عنوان اصلی‌ترین میراث تعالیم پیامبران عظام که با فرازونشیب فراوان تاریخی روبرو بود، تقریباً رو به افول گذارده بود و پدیده‌های شرک‌آلود در عرصه‌های عقیدتی و قوم‌پرستی در روابط اجتماعی شیوه‌های غالب بر حیات فرهنگی جامعه منحنی بود که پس از چند دهه از رسالت حضرت محمد ﷺ خود الهام‌بخش برای سایر جوامع تبدیل گردید.

جامعه توحیدی بر مبنای اعتقاد به یگانگی خداوند و نفی هرگونه شرک و طاغوت، روابط اجتماعی خود را تنظیم می‌کند. جامعه‌ای که می‌خواهد به‌سوی توحیدی شدن گام بردارد، باید همه طاغوت‌ها را چه در سطح رفتارهای فردی و چه در سطح جمعی نفی کند. بنابراین، معنای پرستش خدا و پرهیز و اجتناب از طاغوت، این است که جز عبادت خدای یکتا که معقول عقل نظر و مقبول عقل عمل است، پرستش دیگری منفی و باطل است (جوادی‌آملی، ۱۳۷۳: ۱۷۷). توحید اجتماعی به‌عنوان مفهومی نوپدید در کلام اجتماعی، بر دو مؤلفه اصلی نفی عبودیت غیرِ خدا و اثبات وحدانیت و ربوبیت الهی تأکید دارد. این مفهوم با خوانش اجتماعی از توحید، عبادت را از انحصار معنای متبادر فقهی و مناسکی خارج ساخته و آن را معادل اطاعت می‌داند. بنابراین، هرگونه اطاعت استقلالی و کورکورانه از غیرِ خداوند در ابعاد مختلف زندگی، نفی می‌شود (ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۲). طرح ایمان توحیدی در چارچوب اجتماعی و مبتنی بر آموزه‌های قرآنی با ایجاد نگرشی جدید و تحول‌آفرین می‌تواند بر تمام روابط انسانی و اجتماعی تأثیر بگذارد.

طرح مسئله

با ظهور اسلام و گسترش تعالیم قرآن و تفکر توحیدی، شیوه جدیدی از اندیشه اجتماعی و روابط و مناسبات اجتماعی را در جامعه زمان نزول قرآن به‌وجود آورد که تقریباً پیشینه تاریخی نداشت. مفهوم مرکزی این اندیشه، ایمان و باور به خداوند و تعالیمی است که پیامبر اسلام ﷺ به تدریج آن‌ها را برای مردم معرفی می‌کردند. قبل از ظهور اسلام، جامعه عرب با وابستگی‌های

قوی قبیله‌ای مشخص می‌شد، جایی که وفاداری به قبیله غالباً جایگزین ملاحظات اخلاقی می‌شد. نظام قبیله‌ای نوع خاصی از تعاملات اجتماعی را دیکته می‌کرد و ارزش افراد با نسب و پیوندهای خانوادگی آن‌ها سنجیده می‌شد. در این زمینه اجتماعی، جامعه‌ای پراکنده ایجاد شده بود که در آن درگیری بین قبایل رایج بود و انسجام اجتماعی در آن حداقل بود. در جامعه‌ای که به طور سنتی مناسبات قبیله‌ای و عشیره‌ای حاکم بود و جایگاه افراد و گروه‌ها متناسب با آن مشخص می‌شد، به مرور میزان اعتقاد و پایبندی به اصول دین و پیروی از آئین توحیدی، ملاک اصلی جانمایی افراد و گروه‌ها در جامعه تبدیل شد. نکته مهم در این دگردیسی اجتماعی،^۱ این بود که با تغییر اولویت‌ها از قبیله به توحید، مفاهیمی همچون قبیله و عشیره و خانواده را ذیل مفهوم توحید و ایمان به خداوند صورت‌بندی می‌نماید.

از این منظر و مبتنی بر میزان اعتقاد قلبی افراد و گروه‌ها به ایمان توحیدی به خداوند، طیفی از افراد و گروه‌های اجتماعی شکل می‌گیرد که مبنایی برای تقسیم‌بندی مخاطبان آیات قرآن تلقی می‌شوند و می‌توان آن‌ها را بر طیفی شامل افراد دارای ایمان کامل و افراد فاقد ایمان یا کافر همانند شکل ۱ ترسیم نمود.



شکل ۱. طیف مخاطبان قرآن در نسبت با مفهوم ایمان و کفر

به طور مشخص مؤمنان مسلمان که در زبان، باور و عمل معتقد به خداوند یکتا هستند در یک سر طیف و با فاصله‌ای در رتبه بعد، معتقدان سایر ادیان که دارای ایمان به خداوند و انجام اعمال صالح هستند نیز در زمره مؤمنان یکتاپرست تلقی می‌شوند.^۲ در مقابل، منافقین که فقط در زبان ادعای ایمان دارند ولی در باور و عمل خلاف آن هستند و همچنین کافران و مشرکان که

1. Social transformation.

۲. ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَى وَالصَّابِئِينَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ (بقره: ۶۲).



در زبان، باور و عمل منکر وجود خداوند یکتا هستند در آن سوی طیف به‌عنوان افراد و گروه‌های بی‌ایمان و کافر قرار می‌گیرند. هرچند در نگاه نخست اساس این تقسیم‌بندی مربوط به جامعه زمان نزول به نظر می‌رسد، ولی با دقت بیشتر و فرض جاودانگی تعالیم قرآن، این تقسیم‌بندی نه‌تنها در روح خطابات قرآنی پیش از اسلام حضور مؤثر دارد؛ بلکه به‌عنوان تقسیم‌بندی برای همه کسانی است که پس از نزول قرآن آمده‌اند و می‌توانند مخاطبان آن تلقی شوند. اگر هدف اصلی بعث انبیا را تحقق توحید و ظهور عبودیت در سطح فردی و جامعه بدانیم، می‌توان به این نتیجه دست یافت که غرض قرآن از ارائه تقسیم‌بندی ذکر شده در روابط اجتماعی، حرکت در مسیر تحقق بخشیدن به‌نوعی جامعه توحیدی به‌عنوان راهبردی بنیادی در زمینه سعادت انسان‌ها است. قرآن به‌عنوان منبع نهایی هدایت مسلمانان، آیاتی را ارائه می‌دهد که به جوهر توحید و پیامدهای آن برای ایمان فردی و انسجام اجتماعی می‌پردازد (nasr, 2004: 35) براین اساس می‌توان با بررسی و مطالعه روشمند آیات قرآن در اینکه نحوه مواجهه با گروه‌های ذکر شده چگونه می‌تواند منجر به تحقق ایمان توحیدی و بهسازی و پیشرفت جامعه موردنظر قرآن شود به سطحی از شناخت نظام روابط اجتماعی دست یافت که راهنمای مؤمنان در مسیر تعاملات اجتماعی خود باشد. نوع این روابط تأثیر مستقیمی بر کیفیت و سلامت در حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه دارند و به‌نوعی پایه‌گذار ساختارهای اجتماعی در جامعه تلقی می‌شوند. براین اساس، روابط اجتماعی سبب ایجاد هویت‌های فردی و جمعی می‌شوند و بخش مهمی از شکل‌گیری فرهنگ و ارزش‌های اجتماعی را تشکیل می‌دهند (Giddens, 1990: 45).

غالباً از رابطه^۱ به‌عنوان ظرف شکل‌گیری و تحقق‌کنش یاد می‌شود (صدیق‌اورعی و دیگران، ۱۳۹۹: ۴۲). روابط، یک جنبه اساسی از حیات انسانی است که بر رشد شخصی و احساس رضایت افراد تأثیر می‌گذارد. در یک نگاه کلی، می‌توان این استنباط را از قرآن کریم به‌دست آورد که حیات اجتماعی انسان‌ها در یک نظم منطقی و تعامل با سایر روابطی است که انسان‌ها ظرفیت برقراری آن‌ها را دارا هستند. تنظیم مؤثر روابط اجتماعی^۲ به تقویت همبستگی اجتماعی منجر می‌شود؛ زیرا زمانی که افراد احساس کنند به یکدیگر وابسته‌اند و روابط همه‌جانبه سالمی

1. Relation.

2. Regulation of social relations.

دارند، احتمالاً با به اشتراک گذاشتن ارزش‌ها و منافع مشترک، به ایجاد جامعه‌ای متحد و یکپارچه کمک خواهند کرد. به‌عنوان مثال، در بررسی‌های انجام‌شده توسط توکویل نشان داده‌شده است که حضور فعالانه و مشارکت در فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی می‌تواند به افزایش اعتماد اجتماعی و همبستگی میان افراد بینجامد (Tocqueville, 2000: 102).

در قاموس آموزه‌های قرآنی، تحقق ایمان توحیدی در جامعه با موانع متعددی می‌تواند روبه‌رو باشد. این موانع می‌توانند شامل عوامل خرد و کلانی باشند که هر یک به‌نوعی بر پذیرش و تحقق این ایمان تأثیرگذارند و عملاً مانع از درک صحیح آموزه‌های توحیدی می‌شوند (صدری‌فر و دیگران، ۱۳۹۶ و رجبی، ۱۳۹۰: ۱۱۳-۱۱۷). در برخی جوامع، هنجارها و ارزش‌های فرهنگی می‌توانند مانع از تنظیم مؤثر روابط اجتماعی در جهت تحقق اهداف و آرمان‌های جامعه شوند. به‌عنوان مثال، تحولات اجتماعی در جوامع سنتی می‌تواند با مقاومت‌هایی مواجه شود که از سوی نسل‌های پیشین شکل گرفته است (Plantinga, 2010: 56).

این نوشتار به این مسئله می‌پردازد که صورت‌بندی قرآن در روابط اجتماعی مبتنی بر مفاهیم ایمان و کفر چگونه است؟ هدف این مقاله نیز صرفاً استخراج و طبقه‌بندی آموزه‌های قرآنی درباره روابط اجتماعی نیست، بلکه تلاش می‌شود مرجعیت قرآن در مقام تحقق عینی بررسی شود. در واقع پرسش اصلی، آن است که قرآن چگونه الگویی هنجاری برای سامان‌دهی روابط اجتماعی در جامعه توحیدی ارائه می‌دهد و این الگو در مواجهه با واقعیت‌های پیچیده اجتماعی با چه ظرفیت‌ها و موانعی روبه‌روست. به‌نوعی مقاله می‌کوشد از سطح توصیف درون‌متنی آیات فراتر رفته و نسبت میان آموزه‌های قرآنی و مسئله انسجام و تنظیم روابط اجتماعی در جوامع واقعی را روشن سازد. درحقیقت طرح قرآنی روابط اجتماعی زمانی واجد مرجعیت اجتماعی است که امکان تبدیل هنجاری آن به کنش، نهاد و نظم اجتماعی مورد تحلیل قرار گیرد. از این رو، تمرکز مقاله علاوه بر شناسایی مؤلفه‌های قرآنی، تنظیم روابط اجتماعی، بر تبیین چالش تحقق اجتماعی این مؤلفه‌ها است.

روش انجام پژوهش

این پژوهش از نوع تحلیل کیفی و کاربرد تکنیک تحلیل مضمون است. روش گردآوری داده‌ها



نیز مراجعه مستقیم به یکایک آیات قرآن بوده است؛ به طوری که آیات و گزاره‌های گردآوری شده در قالب نوعی الگوی مفهومی سعی شده به نوع ارتباط نظری بین آن‌ها دست یابیم. مجموعه آیات با مفاهیمی برگرفته از آثار مفسران آغاز می‌شود که براساس تفاسیر اجتماعی انتخاب شده‌اند و به عنوان ادبیات فنی از آن‌ها استفاده می‌شود (محمدپور، ۱۳۸۸: ۱۲۴). انجام تحلیل مضمون مستلزم گذراندن مراحل ساختاریافته‌ای برای دستیابی به مضامین اصلی و ترسیم شبکه مضامین است. تنظیم مقولات اصلی یکی از مراحل مهم در تحلیل مضمون است که به پژوهشگر کمک می‌کند تا از سطح توصیف داده‌ها به سطح تفسیر و تحلیل نظام‌مند برسد. این فرایند براساس چارچوب‌های روش‌شناختی براون و کلارک (۲۰۰۶) و استرلینگ (۲۰۰۱) انجام می‌شود و مستلزم استناد به اصول علمی و انسجام درونی مضامین قبلی است. براساس پژوهش‌های براون و کلارک (۲۰۰۶)، دسته‌بندی مضامین باید براساس ملاک‌های زیر باشد:

الف) اشتراکات معنایی: مضامین با محتوای مشابه در یک گروه قرار می‌گیرند.

ب) سطح انتزاع: تفکیک مضامین به سطوح پایه (کدهای اولیه)، سازمان‌دهنده (تم‌های فرعی)، و فراگیر (تم‌های اصلی).

ج) روابط علی یا تقابلی بین مضامین وجود داشته باشد (V. Braun & V. Clarke, 2006:78-81).

این فرایند نه تنها پایه‌های تحلیلی پژوهش را شکل می‌دهد، بلکه امکان تولید دانش جدید از طریق کشف روابط پنهان بین مفاهیم را فراهم می‌کند. موفقیت در این مرحله، مستلزم ترکیب خلاقیت پژوهشگر با پای‌بندی به اصول روش‌شناختی تحلیل مضمون است. در این تحقیق موارد گفته‌شده به ترتیب انجام شده است:

مرحله اول: با نظر داشت محتوای چارچوب مفاهیم جامعه‌شناختی شامل سرمایه اجتماعی^۱، رقابت‌های اجتماعی^۲، تاب‌آوری فردی و اجتماعی^۳، معناسازی^۴، همبستگی^۵ و

1. Social Capital.
2. Social competitions.
3. Individual and social resilience.
4. Meaning making.
5. Social solidarity.

انسجام اجتماعی،^۱ شایسته‌سالاری،^۲ خودکنترلی اجتماعی^۳ و مرور دقیق تمام آیات قرآن از ابتدا تا انتها با هدف شناسایی آیاتی بود که در آن‌ها اجمالاً مضامینی در ارتباط با ابعاد روابط اجتماعی جامعه مؤمنان در قرآن قابل استنباط بود. در این مرحله حدود ۲۳۴ آیه شناسایی شد.

مرحله دوم: تهیه جدولی کامل از آیات منتخب فوق که در ستون اول: متن آیه، در ستون دوم: درج ترجمه‌ای رسا از آیه به قلم عزت‌الله فولادوند و در ستون آخر: درج برخی تفاسیر اجتماعی مرتبط با آیه گردآوری و تنظیم شدند. هدف از انجام این قسمت، استنباط و تدوین گزاره‌های اجتماعی برای محتوای ظاهری هر آیه بوده است.

مرحله سوم: برای دستیابی به مضامین مرتبط با موضوع تحقیق، جدول تفصیلی فوق وارد نرم‌افزار MAXQDA شده و مراحل سه‌گانه کدگذاری‌های (اولیه، گزینشی و محوری) در آن انجام شده است. در این مرحله با دقت در متن، ترجمه و تفسیر هر آیه، مضامینی که به صورت روشن و به اصطلاح از ظاهر معانی آیه استنباط می‌شود به صورت یک گزاره و کد اولیه در نرم‌افزار درج می‌شود. تعداد کدهای به دست آمده در این مرحله ۳۹۳ مورد بود.

مرحله چهارم: در مرحله بعد، کدها و مضامین اولیه به دست آمده در یک درجه انتزاع بالاتر، در مفاهیمی کلی‌تر که به لحاظ معنایی به هم نزدیک هستند، دسته‌بندی شده‌اند. تعداد این مفاهیم ۱۵ مورد بوده است.

مرحله پنجم: مرحله بعد، مقوله‌سازی است. با توجه به اهمیت صورت‌بندی مناسب برای درک بهتر عوامل و سلبی تنظیم روابط اجتماعی، تمام مفاهیم به دست آمده در ذیل دو مقوله اصلی زیر دسته‌بندی گردید.

الف) عوامل ایجابی؛ شامل ۹ مفهوم حاصل از ۱۴۵ کد ابتدایی.

ب) عوامل سلبی یا موانع؛ شامل ۶ مفهوم حاصل از ۳۰۵ کد ابتدایی.

در مورد اعتبارسنجی نتایج تحقیق، تحلیل محتوای کیفی و تحلیل مضمون را می‌توان روشی برای تفسیر محتوای داده‌های متن از طریق فرایندهای طبقه‌بندی نظام‌مند، رمزبندی، یا طراحی

1. Social cohesion.
2. Meritocracy.
3. Social self-control.

الگوهای شناخته‌شده دانست. در واقع تحلیل محتوای کیفی به فراسویی از کلمات یا محتوای عینی متون می‌رود و مضامین یا الگوهایی را که آشکار یا پنهان هستند به صورت محتوای آشکار می‌آزماید. بر این اساس، «هدف تحلیل محتوا، فراهم آوردن شناخت، بینشی نو و تصویری از واقعیت است» (کرپندورف، ۱۳۸۳: ۲۵). انجام فرایند به این ترتیب است که در مرحله مضمون‌گیری و طرح جداول تحلیل محتوای مضمونی، مضامین مورد دسته‌بندی قرار می‌گیرد و موضوعات پیشنهادی، جهت ساخت مقولات نهایی مطرح می‌شود (جان‌پور، ۱۳۹۰: ۲۹۵). از آنجاکه شیوه استنباط مضامین و استخراج کدهای اولیه به نحوی که صراحت کافی نسبت به متن آیه داشته باشد، اهمیت فوق‌العاده‌ای در مسیر مفهوم‌سازی در ابتدای شروع کدگذاری تعدادی از آیات و کدهای مشاهده‌شده را در قالب یک پرسشنامه در معرض داوری چندتن از اساتید علوم قرآن و محققان علوم اجتماعی قرار داده شد. تعداد این داوران ۷ نفر بودند که همگی بیش از دو دهه سابقه فعالیت‌های پژوهشی قرآن و علوم اجتماعی دارند. طبق این بررسی مشخص شد بیش از ۶۵ درصد از کدهای استخراجی، بیانگر معنای آیه مورد استناد بوده‌اند. ادامه کدگذاری‌های بعدی بر اساس این بررسی محدود و تلاش برای اصلاح هر چه بهتر فرایند تشخیص مضامین و کدگذاری اولیه بوده است. این تکنیک اعتبارسنجی در روش تحلیل محتوای کیفی به خصوص مبتنی بر بررسی اعضا است که شامل به اشتراک‌گذاری یافته‌ها با کسانی است که به نحوی درگیر با موضوع هستند. هدف این است که تأیید شود تفسیر محقق تا چه اندازه با تجربیات آن‌ها مطابقت دارد. این بررسی برای اطمینان از صحت تجزیه و تحلیل مهم است و به محقق، امکان می‌دهد مفروضات و تفاسیر خود را در برابر دیدگاه کسانی که تجربیاتی در موضوع دارند بگذارد و از خطاهای احتمالی جلوگیری کند (Birt and others, 2016: 3).

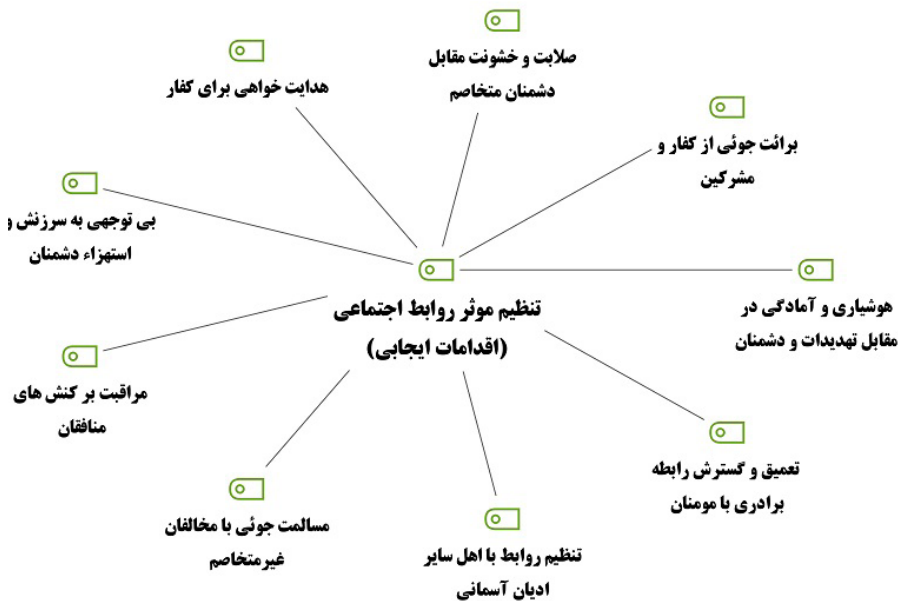
یافته‌های تحقیق

تنظیم مؤثر روابط اجتماعی در شکل‌گیری و تحقق جامعه توحیدی، به معنای صورت‌بندی و حفظ روابط سالم و سازنده بین افراد و گروه‌های مختلف جامعه است. هدف اصلی در این قسمت نیز بازنمایی از جامعه قرآنی از منظر نوع تنظیم مؤثر در روابط اجتماعی برای تحقق جامعه

توحیدی است که قرآن کریم بر مبنای گروه‌های دارای ایمان (مؤمنان) و فاقد ایمان (کافران) بر آن تأکید داشته است و بخش اعظمی از آیات قرآن را دربر گرفته و ما آن‌ها را در ۳۹۳ کد اولیه صورت‌بندی کرده‌ایم و طبیعی است که ارائه کامل آن‌ها در این مختصر میسر نمی‌باشد و تنها به ذکر رئوس موضوعات به‌دست‌آمده در قالب اقدامات ایجابی و سلبی اکتفا می‌شود. همان‌طور که در بخش طرح مسئله اشاره شد، تفکیک اقدامات ایجابی و سلبی با توجه به اهمیت انجام برخی از امور ارزشی و هنجاری و تأکید بر آنها در آیات قرآن، ما آنها را در اقدامات ایجابی قرار داده‌ایم و قاعدتاً آن دسته از اموری که ترک، دوری و پرهیز از آنها مورد نظر قرآن بوده است و قاعدتاً ناظر بر امور ضدآرزوش و ناهنجاری‌های در جامعه مطلوب و روابط اجتماعی تلقی شده‌اند، در اقدامات سلبی قرار گرفته‌اند.

۱. اقدامات ایجابی

شکل شماره ۲ حاصل فرایند کدگذاری چندمرحله‌ای در این مقوله است که نشان‌دهنده اقدامات ایجابی ناظر بر تنظیم مؤثر روابط اجتماعی می‌باشد. کدهای ابتدائی مربوط به اقدامات ایجابی این راهبرد ۱۴۵ مورد بوده است.



شکل ۲. اقدامات ایجابی در راهبرد تنظیم مؤثر روابط اجتماعی

جدول شماره ۱ هم نشان‌دهنده نمونه‌ای جزئی از انبوه کدها و مفاهیمی است که در مراحل کدگذاری‌های چندگانه منجر به دستیابی به مقوله و راهبرد تنظیم مؤثر روابط اجتماعی در شکل‌گیری جامعه توحیدی و نیز مفاهیم ثانویه به‌عنوان اقدامات ایجابی در تحقق آن بوده است.

جدول ۱. اقدامات ایجابی در راهبرد تنظیم مؤثر روابط اجتماعی

تعداد موارد	اقدامات (مفهوم و کد مشترک)	مضمون و کد اولیه	ترجمه	آیه
۶۸	شناخت و مراقبت بر کنش‌های منافقان	دوری از جهاد و سوگند به دروغ‌نشانه منافقان است	آیا ندیدید کسانی را که با قومی که خدا بر آنان خشمگین شده، دوستی می‌کنند؟ نه از شما هستند و نه از آنان؛ و به دروغ سوگند می‌خورند در حالی که خودشان می‌دانند	أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ تَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مَّا هُمْ مِنْكُمْ وَلَا مِنْهُمْ وَيَحْلِفُونَ عَلَى الْكُذِبِ وَهُمْ يَعْلَمُونَ (مجادله: ۱۴)
		دلبستگی و غرور به اموال و فرزندان و ویژگی منافقان است	اموال و فرزندان نشان هیچ چیز از عذاب الهی را از آنان دور نخواهد کرد. آنان اهل آتش هستند و در آنجا جاودانه خواهند ماند	عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (مجادله: ۱۷)
۶۸	شناخت و مراقبت بر کنش‌های منافقان	جلوگیری از انفاق به نیازمندان و ویژگی منافقان است	آنان کسانی هستند که می‌گویند: بر کسی که نزد پیامبر خدا است هزینه نکنید تا متفرق شوند. در حالی که خزائن آسمان‌ها و زمین برای خداست، ولی منافقین نمی‌فهمند	هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا عَلَيَّ مِنْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّىٰ يَنْفَضُوا وَلِلَّهِ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَفْقَهُونَ (منافقون: ۷)

تعداد موارد	اقدامات (مفهوم و کد مشترک)	مضمون و کد اولیه	ترجمه	آیه
۴۳	هوشیاری و آمادگی در مقابل تهدیدات و دشمنان	تحقیق و هوشیاری مؤمنان مانع تأثیر رفتار منحرفان می شود	ای کسانی که ایمان آورده اید! اگر فاسقی خبری برای شما آورد، تحقیق کنید مبدا به جهالت، قومی را آسیب بزنید و بعد بر کار خود پشیمان شوید	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تَصِيبُوا قَوْمًا بِيَهْلَاةٍ فَتُصْبِحُوا عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ (حجرات: ۶)
		جامعه مطلوب نسبت به نقض پیمان ها هوشیار است	و اگر آنان پس از پیمان خود، عهد خود را بشکنند و در دین شما آسیب برسانند، با پیشوایان کفر بجنگید، زیرا آنان هیچ پیمانی ندارند، شاید آنان از این کار بازگردند	وَإِن نَّكُنُتُمْ أَيمَانَهُمْ مِّن بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعْنُوهُ فِي دِينِكُمْ فَقَاتِلُوا أَلَمَّةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أيمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ (توبه: ۱۲)
۱۷	تنظیم روابط با اهل سایر ادیان آسمانی	ایمان واقعی و عمل صالح ملاک نوع تعامل مؤمنان با خدا باوران است	در حقیقت کسانی که ایمان آورده و کسانی که یهودی شده اند و صابان هر کس به خدا و روز بازپسین ایمان داشت و کار شایسته کرد پس اجرشان را پیش پروردگارشان خواهند داشت و نه بیمی بر آنان است و نه اندوهناک خواهند شد	إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَى وَالصَّابِئِينَ مَن آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحَاتٍ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (بقره: ۶۲)



تعداد موارد	اقدامات (مفهوم و کد مشترک)	مضمون و کد اولیه	ترجمه	آیه
۲۱	تعمیق و گسترش رابطه برادری با مؤمنان	اصل اساسی در رابطه برادرانه مؤمنان صلح و دوستی است	مؤمنان فقط برادر هستند، پس بین دو برادر خود صلح ایجاد کنید و از خدا بپرهیزید تا مورد رحمت قرار گیرید	إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخْوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (حجرات: ۱۰)
		در نظام روابط برادرانه همه مؤمنان مسئول حفظ و تقویت رابطه هستند		
۲۱	تعمیق و گسترش رابطه برادری با مؤمنان	مداومت بر بخشش مال جلوه‌ای از رابطه برادری در جامعه مطلوب است	آنان که نماز را برپا می‌دارند و از آنچه به آنان روزی داده‌ایم انفاق می‌کنند	الَّذِينَ يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ (انفال: ۳)
		مؤمنان نسبت به حفظ و تقویت روابط خود مراقب هستند	ای کسانی که ایمان آورده‌اید، صبر کنید و یکدیگر را صبر کنید و در صف بایستید و از خدا بترسید تا موفق شوید	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (آل عمران: ۲۰۰)

تعداد موارد	اقدامات (مفهوم و کد مشترک)	مضمون و کد اولیه	ترجمه	آیه
۸	صلابت و خشونت بادشمنان متخاصم	مؤمنان نسبت به دشمنان کافر باصلابت و خشونت هستند		يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ (تحريم: ۹)
۴	برائت جویی از کفار و مشرکین	برائت از باورها و هنجارهای مشرکان جزو ضروریات جامعه مطلوب است	بگو: من نهی شده‌ام که کسانی را که غیر از خدا می‌خوانید، عبادت کنم. بگو: من از تمایلات شما پیروی نکردم، وگرنه در آن صورت، گمراه شده‌ام و من از هدایت‌یافتگان نیستم	قُلْ إِنِّي نُهِيتُ أَنْ أَعْبُدَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ قُلْ لَا آتَّبِعُ أَهْوَاءَكُمْ قَدْ ضَلَلْتُ إِذًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُهْتَدِينَ (انعام: ۵۶)
۳	بی‌توجهی به سرزنش و استهزاء دشمنان	مؤمنان از استهزای مخالفان خود سرخورده نمی‌شوند	و حتماً برخی از رسولان قبل از تو مورد تمسخر قرار گرفتند، پس آنچه را که به آن تمسخر می‌کردند، به آنان بازگشت	وَلَقَدْ اسْتَهْزَى بِرُسُلٍ مِّن قَبْلِكَ فَحَاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُوا مِنْهُمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (انبیاء: ۴۱)
۳	هدایت خواهی برای کفار	مؤمنان در همه حال در فکر هدایت کافران هستند	(ای رسول ما) تو چنان در اندیشه هدایت خلقی که خواهی جان عزیزت را از غم اینکه ایمان نمی‌آورند هلاک سازی!	لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ (شعراء: ۳)



تعداد موارد	اقدامات (مفهوم و کد مشترک)	مضمون و کد اولیه	ترجمه	آیه
۴	مسالمت‌جویی با مخالفان غیرمتخاصم	ارتباط محدود مؤمنان با مخالفینی که سر جنگ و دشمنی ندارند مجاز است	خداوند تنها شما را از کسانی نهی می‌کند که در دین با شما می‌جنگند و شما را از دیارتان بیرون می‌کنند و در بیرون کردن شما همکاری می‌کنند که با آن‌ها دوستی کنید و هر کس با آنان دوستی کند، آن‌ها ستمگران هستند	إِنَّمَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُم مِّن دِيَارِكُمْ وَظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَن تَوَلَّوهُمْ وَمَن يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ (ممتحنه: ۹)

حرکت به‌سوی جامعه توحیدی، براساس آموزه‌های قرآن، مستلزم روابط اجتماعی خاصی است که درک پدیده نفاق و نقش منافقان در آن نقشی اساسی دارد. در منطق قرآنی، نفاق صرفاً ضعف شخصی نیست، بلکه مسئله‌ای اجتماعی است که همبستگی، انسجام و اخلاق جمعی را تهدید می‌کند. منافق، کسی است که در ظاهر ایمان دارد اما در باطن، کفر و سوءنیت خود را پنهان می‌سازد. نفوذ این گروه در ارکان جامعه، ذهنیت عمومی را تغییر داده و به از میان رفتن اعتماد، گسترش شک و سستی احساس تعلق به جامعه مؤمنان می‌انجامد. درحالی‌که جامعه سالم به‌سوی اتحاد و هماهنگی حرکت می‌کند، وجود منافقان مانعی جدی در مسیر تحقق جامعه مطلوب است. آنان با دامن‌زدن به اختلاف و بی‌اعتمادی، روند طبیعی رشد جامعه را مختل می‌کنند.

از منظر اجتماعی، ریا و دورویی به‌عنوان ریشه‌های فساد، موجب تضعیف ارزش‌های الهی می‌شود. منافقان با انگیزه‌های شخصی و عدم صداقت، فریب را مجاز می‌دانند و این امر اصول حقیقت، عدالت و درستی را متزلزل می‌سازد. رفتار فریبکارانه و سوگند دروغ آنان شبکه‌ای

از بی‌اعتمادی در جامعه ایجاد می‌کند که تنها با شناخت دقیق نفاق و هوشیاری در برابر آن می‌توان از فروپاشی اعتماد جمعی پیشگیری کرد. قرآن هشدار می‌دهد که مؤمنان باید نسبت به انگیزه‌های پنهان منافقان چون حرص، منفعت‌طلبی و بی‌تعهدی به تلاش جمعی آگاه باشند (منافقون: ۷).

شناخت ویژگی‌ها و شیوه‌های منافقان، علاوه بر حفظ انسجام اجتماعی، به انتخاب شایسته افراد در مسئولیت‌های عمومی نیز یاری می‌رساند؛ زیرا جامعه‌ای که صداقت و مشارکت صادقانه را ملاک عمل قرار دهد، از نفوذ نفاق در امان‌تر خواهد بود. همچنین، تبیین آموزه‌های قرآنی درباره نفاق زمینه‌ساز بازتعریف هنجارهای فرهنگی مبتنی بر صداقت، انفاق و همیاری اجتماعی است.

درنهایت، نفاق ریشه در درون جامعه دارد و می‌تواند بر هویت جمعی اثر بگذارد. قرآن با تأکید بر مسئولیت مشترک مؤمنان در پاسداری از ارزش‌ها، خواستار شفافیت، صداقت و هماهنگی میان باور و عمل است تا انسجام نظام ارزشی و احساس تعلق به جامعه مؤمنان تقویت شود.

در آموزه‌های قرآن، هوشیاری و آمادگی در برابر تهدیدات و دشمنان، از مؤلفه‌های اساسی روابط اجتماعی مؤثر است. این موضوع در آیات متعددی تأکید شده است (انفال: ۶۰) و محدود به آمادگی نظامی نیست، بلکه شامل حفظ هوشیاری نسبت به رفتار دشمنان و مخالفان جامعه مؤمنان نیز می‌شود. قرآن با تأکید بر هوشیاری، فرهنگی را پرورش می‌دهد که در آن اقدامات پیشگیرانه برای حفظ ساختار اجتماعی ضروری است. آگاهی جمعی نسبت به تهدیدهای بالقوه، هنجارهای اجتماعی مرتبط با هوشیاری را تقویت کرده و محیطی ایجاد می‌کند که در آن هر فرد متناسب با جایگاه خود نقش حفاظتی دارد، به گونه‌ای که هوشیاری و آمادگی به یک رفتار هنجاری در جامعه مؤمنان تبدیل می‌شود. تأکید مداوم بر آمادگی، انسجام اجتماعی را نیز ارتقا می‌دهد. هنگامی که اعضای جامعه به‌طور جمعی برای تهدیدها آماده می‌شوند، روایت مشترکی شکل می‌گیرد که پیوندهای اجتماعی را تقویت و تاب‌آوری در برابر تهدیدهای خارجی را پرورش می‌دهد و از ایجاد تفرقه جلوگیری می‌کند. گسترش این هنجارهای اجتماعی با تعیین



انتظارات مشخص از رفتار افراد در مواجهه با تهدیدها، عمل مطلوب قرآن را شکل می‌دهد. آیه ۶۰ سوره انفال نه تنها آمادگی نظامی، بلکه آمادگی ذهنی را نیز مورد توجه قرار داده تا در مواقع بحرانی غافلگیر نشوند و جامعه مؤمنان بتواند با تاب‌آوری و انسجام بیشتری تهدیدها را مدیریت کند.

تنظیم روابط با پیروان سایر ادیان آسمانی، یکی دیگر از آموزه‌های قرآن است. آیات قرآن چارچوبی برای همزیستی مناسب با پیروان دیگر ادیان در جامعه دینی فراهم می‌کند و مسئولیت‌ها و احترام متقابل را که باید در این روابط رعایت شود، برجسته می‌سازد. این دعوت با تأکید بر ایجاد مرزهای روشن و شناخت مشترکات میان ادیان همراه است. آیه ۶۲ سوره بقره نشان می‌دهد که ایمان توحیدی و عمل صالح وجه مشترک مؤمنان با پیروان ادیان دیگر است و ارزش‌های اصلی ایمان فراتر از تفاوت‌های فرقه‌ای قرار دارد. وقتی جامعه بر ارزش‌ها و تلاش‌های مشترک تمرکز کند، اختلافات کاهش یافته و محیطی ایجاد می‌شود که در آن احترام متقابل رشد می‌کند.

قرآن مؤمنان را تشویق می‌کند تا اهل دیگر ادیان را نه به‌عنوان دشمن، بلکه به‌عنوان متحدان بالقوه در حفظ ارزش‌های بنیادی در نظر بگیرند. آیه ۵۴ سوره مائده، مؤمنان را به تعامل مثبت با پیروان دیگر ادیان فرا می‌خواند و نشان می‌دهد می‌توان اتحادهایی حول ارزش‌های مشترک شکل داد. هنگامی که هویت افراد صرفاً با تفاوت‌های دینی تعریف نمی‌شود، پُل‌زدن به‌جای ساختن دیوار ممکن می‌شود و همبستگی جامعه تقویت می‌شود، به‌گونه‌ای که اختلافات از طریق گفتگو و احترام حل می‌گردد.

قرآن همزیستی مسالمت‌آمیز را با اصولی مانند پرداخت جزیه برای پذیرش تنوع و تضمین انسجام اجتماعی ترویج می‌کند. تنوع دینی به‌جای ایجاد اختلاف، به‌عنوان نیروی تثبیت‌کننده عمل می‌کند و هماهنگی را تقویت می‌نماید. اجرای چارچوبی که حقوق و اعتقادات همه طرف‌ها را به رسمیت بشناسد، نه تنها نظم اجتماعی را تقویت می‌کند، بلکه از تعارضات دینی پیشگیری می‌کند. چنین جامعه‌ای با تبدیل چالش‌های بالقوه به فرصت همکاری و احترام متقابل، انعطاف‌پذیری و ظرفیت سازگاری بیشتری در برابر تهدیدها نشان می‌دهد.

در بینش قرآنی، تعمیق و گسترش رابطه برادری (اخوت) بین مؤمنان جهت ایجاد جامعه توحیدی، یکی از اصولی‌ترین راهبردها برشمرده می‌شود. این امر مستلزم تلاش‌های فردی و جمعی مؤمنان برای ایجاد و تحکیم پیوندهای مسالمت‌آمیز، حمایتی و پایدار در میان جامعه خود است. قرآن تأکید می‌کند که برادری صرفاً یک احساس نیست، بلکه مسئولیتی اجتماعی است که در شرایط مختلف اعمال و رفتار خاصی را از ناحیه مؤمنان نسبت به یکدیگر در پی دارد. تعمیق روابط برادرانه در سطوح مختلف جامعه، فرهنگی را پرورش می‌دهد که در آن اقداماتی که شاخص‌های مهم برادری است؛ مانند تعاون و همکاری، وفاداری و تعهد متقابل، و صلح و دوستی به رفتارهای هنجاری غالب در جامعه تبدیل می‌شود. ازدیگرسو، تقویت روابط برادری در میان مؤمنان، موجب افزایش سرمایه اجتماعی از طریق گسترش شبکه‌های روابط مبتنی بر همیاری و حمایت متقابل، اعتماد و همکاری و احساس مسئولیت در مشکلات یکدیگر می‌شود. وقتی مؤمنان متعهد به نوع روابط برادرانه در میان خویش باشند، انعطاف‌پذیری فردی و جمعی و تاب‌آوری اجتماعی را در جامعه نیز ارتقا خواهند داد. تأکید بر رابطه برادری هویت اجتماعی در ارتباط با مفهوم تعلق به امت واحده را در میان گروه‌های جامعه و احساس وفاداری و تعهد به اهداف مشترک را تقویت می‌کند. در حالی که قرآن بر اهمیت رابطه برادری تأکید می‌کند، همچنین به پاسخگویی متقابل در میان اعضای جامعه نیز توجه می‌کند؛ زیرا حفظ روابط برادرانه مستلزم شناخت مسئولیت‌های متقابل و تلاش در مسیر برابری و عدالت است. توجه به این مسئولیت نسبت به دیگران، ضمن ایجاد فضای حمایتی و همیاری در میان مؤمنان، آن‌ها را قادر می‌سازد تا با پدیده نفاق و منافقان که اصول با رابطه برادری تنافی دارد به‌صورت سازنده مقابله کنند.

قاطعیت، صلابت و خشونت علیه دشمنان متخاصم، راهبردی دیگر برای حفظ یکپارچگی و تمامیت جامعه مؤمنان محسوب می‌شود. برآیند آیات قرآنی در این موضوع به مؤمنان دیدگاهی روشن از هویت اجتماعی خود به‌عنوان مدافعان جامعه و اهل ایمان ارائه می‌دهد. این هویت جمعی برای ایجاد یک جبهه متحد در برابر دشمنان بسیار مهم است. زبان نزاع و جنگ با کافران و دشمنان، که در ادبیات قرآن با عنوان جهاد یاد می‌شود، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای حفظ



مرزهای جغرافیایی و اعتقادی از آسیب‌های متخاصمان است. دعوت به جهاد و مقابله جدی در برابر دشمنان، نقطه ثقل و تمرکز برای همبستگی اجتماعی در میان مؤمنان ایجاد می‌کند که برای ثبات و حفظ نظم اجتماعی ضروری است. باور به اینکه در این مسیر سخت خداوند از مؤمنان حمایت می‌کند (توبه: ۱۲۳) به‌عنوان یک نیروی انگیزشی قابل توجه برای آن‌ها است و عزم آن‌ها را برای شرکت در اقدامات دفاعی و تهاجمی در صورت لزوم تقویت می‌کند. درحالی‌که در شرایط و زمینه‌های خاصی اعمال خشونت علیه دشمنان ضرورت می‌یابد، ولی قرآن چارچوب‌های روشنی را برای جلوگیری از افراط‌گری و گذشتن از اصول اخلاقی را به مؤمنان یادآور می‌شود. توجه به تعادل و ادغام قدرت با شفقت نکته مهمی است که قرآن به‌خوبی به آن اشاره می‌کند (فتح: ۲۹). از جنبه‌ای دیگر قاطعیت و صلابت در قبال دشمنان می‌تواند عامل مؤثری در حفظ اتحاد درون جامعه مؤمنان باشد. هنگامی‌که مؤمنان با یکدیگر به‌عنوان یک نیروی واحد عمل کنند، احساس همبستگی و اتحادشان نسبت به تهدیدات دشمنان تقویت می‌شود. (آل‌عمران: ۲۰۰)

یکی دیگر از اقدامات ایجابی که از آیات قرآن برای دستیابی به جامعه توحیدی استنباط می‌شود تأکید بر برائت از کفار و مشرکان است. برائت‌جویی و دوری‌جستن از نظام ارزشی و هنجاری مشرکان و کافران، چارچوبی را برای معناسازی مبتنی بر توحید ایجاد می‌کند که منجر به شکل‌گیری هرچه بیشتر هویت مؤمنانه از طریق باورهای مشترک و تجربیات جمعی می‌شود. این هویت صرفاً در تقابل با غیر مؤمنان تعریف نمی‌شود، بلکه ذاتاً با ارزش‌های مشترک و باورهای الهی و توحیدی مرتبط است. درواقع توصیه‌های قرآنی مؤمنان را تشویق می‌کند تا در هدف مشترک حفظ یکپارچگی ایمان خود در برابر تهدیدات بیرونی مشارکت فعال داشته باشند.

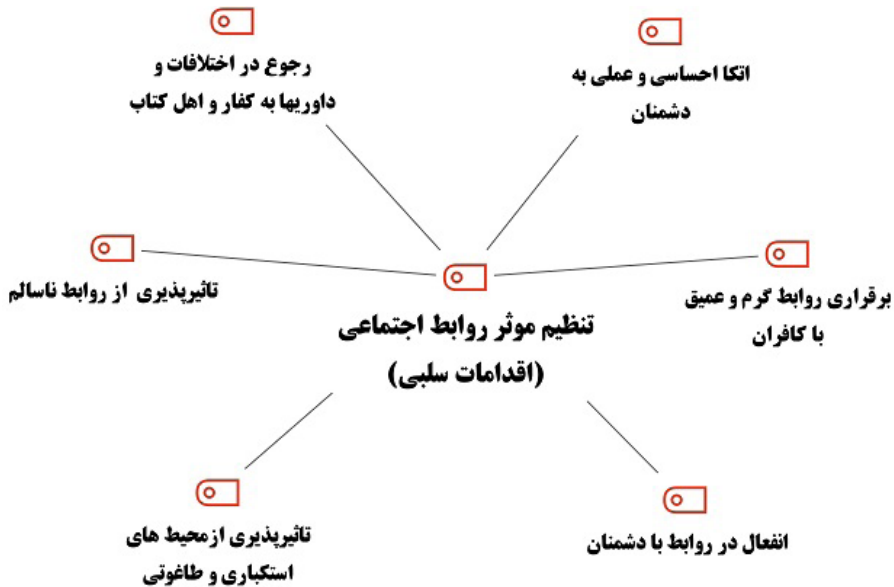
قرآن در مورد جنبه‌های مختلف روابط مؤمنان با دشمنان، به‌نادیده‌گرفتن سرزنش‌ها و تمسخر دشمنان برای حفظ انسجام اجتماعی در یک جامعه توحیدی اشاره می‌کند. از نظر قرآن، تمسخر پیامبران به‌عنوان کسانی که رویکردی جدید و تحول‌گونه به جامعه دارند، حربه‌ای همیشگی و قدیمی است که توسط کافران استفاده می‌شود (هود: ۳۸). تأثیرپذیری از طعنه‌ها و تمسخرات، می‌تواند اثرات منفی و بی‌ثبات‌کننده بر روحیه کسانی داشته باشد که بار سنگین تحولات بر دوش

آن‌هاست. از این نظر، نادیده‌گرفتن تمسخر و سرزنش آن‌ها به‌عنوان نوعی انعطاف و مقاومت فعالانه تلقی شود که به مؤمنان اجازه می‌دهد تا یکپارچگی و تعهد و پایبندی خود را به ارزش‌های الهی خود حفظ کنند و این تعبیر را تقویت کنند که ایمان و تعهد آن‌ها فراتر از هرگونه تمسخری است که با آن مواجه می‌شوند و در این مسیر به الطاف الهی امیدوار باشند (مانده: ۵۴).

در سطح بالاتری از تربیت اخلاقی، قرآن مؤمنان را به هدایت خواهی قلبی و عملی برای کافران و مشرکان دعوت می‌کند (توبه: ۶). تشویق به‌نوعی تعامل دلسوزانه در رابطه با کفار غافل در واقع ایجاد فرصتی که برای درک و آشنایی آن‌ها با حقیقت فراهم می‌کند تا از این طریق، امکانی برای هدایت احتمالی آن‌ها به‌وجود بیاید. این نوع تعاملات به مؤمنان اجازه می‌دهد پیام دعوت خود را به‌گونه‌ای منتقل کنند که به‌جای بیگانگی باعث جذب کفار و مشرکان شود. همچنین ارائه ابتکاراتی برای هدایت کفار در مواقعی که اقتضائات آن وجود داشته باشد، نشان‌دهنده یک موضع فعالانه از سوی مؤمنان به‌جای واکنش صرف به چالش‌ها و تعارضات بیرونی تلقی می‌شود؛ زیرا می‌تواند فرصت‌هایی برای همدلی، گفتگو و تفاهم بیشتر ایجاد کند.

برخی دیگر از آیات قرآن بر لزوم حفظ وفاق اجتماعی از طریق تنظیم مؤثر روابط اجتماعی بر صلح‌جویی با مخالفان غیرمتخاصم تأکید دارند. قرآن به‌صراحت بیان می‌کند که روابط مسالمت‌آمیز با کسانی که موضعی بی‌طرفانه یا دوستانه با مؤمنان داشته‌اند جایز است (ممتحنه: ۸). به‌طور طبیعی، انعطاف در روابط با مخالفان و پرهیز از تأثیرگذاری اختلافات اصولی در روابط اجتماعی موجب تقویت انسجام داخلی و افزایش توان برای تهدیدات واقعی و جدی‌تر خواهد بود. علاوه‌براین از طریق تعاملات مسالمت‌آمیز، اعضای جامعه می‌توانند بینش‌هایی را به‌وجود بیاورند که هرچه بیشتر زمینه‌های همدلی را در میان خود تقویت کنند و کلیشه‌های تخریبی را از بین ببرند. طبیعتاً این نوع تبادل فرهنگی بافت اجتماعی را غنی ساخته و نه تنها می‌تواند از شکاف‌های اجتماعی ناشی از تعارض یا سوءتفاهم نیز جلوگیری کند بلکه زمینه را برای همکاری بین گروه‌های مختلف آماده می‌سازد.

۲. اقدامات سلبی



شکل ۳. اقدامات سلبی در تنظیم مؤثر روابط اجتماعی

جدول شماره ۲ (که در پی می آید) حاوی بخش اندکی از کدها و مفاهیمی است که در مراحل کدگذاری های چندگانه منجر به دست یابی به مقوله تنظیم مؤثر روابط اجتماعی در شکل گیری جامعه مورد نظر قرآن و همچنین مفاهیم ثانویه به عنوان اقدامات سلبی در تحقق آن بوده است. کدهای ابتدائی مربوط به اقدامات سلبی ۲۴۸ مورد بوده است.

جدول ۲. اقدامات سلبی در تنظیم مؤثر روابط اجتماعی

تعداد موارد	اقدامات (مفهوم و کد مشترک)	مضمون و کد اولیه	ترجمه	آیه
۱۳۴	انفعال در روابط با دشمنان	سرپرستی و دوستی عمیق با کفار موجب تضعیف و فتنه در جامعه است	و کافران یکدیگر را پشتیبانی می کنند مگر اگر این کار را نکنید، فتنه و فساد بزرگی در زمین خواهد بود	وَالَّذِينَ كَفَرُوا بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَفَسَادٌ كَبِيرٌ (انفال: ۷۳)



تعداد موارد	اقدامات (مفهوم و کد مشترک)	مضمون و کد اولیه	ترجمه	آیه
۱۳۴	انفعال در روابط با دشمنان	نظام ارزشی جامعه مطلوب در تضاد کامل با جامعه کافران است	من آنچه شما عبادت می کنید، نمی پرستم و شما نیز آنچه من عبادت می کنم، نمی پرستید	لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ (کافرون: ۲) وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ (کافرون: ۵) لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ (کافرون: ۶)
		جامعه مطلوب دائماً در خطر نیرنگ‌های دشمنان است	بی گمان آن‌ها مکر می کنند	إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا (طارق: ۱۵)
		مؤمنان در خطر گریز از جهاد و ترس از ملامت و تحقیر دشمنان اند	ای کسانی که ایمان آورده اید! وقتی با گروهی روبرو می شوید، پایدار بایستید و خدا را بسیار یاد کنید، شاید موفق شوید	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (انفال: ۴۵)
		جامعه مطلوب در تقابل با جریان‌های منکر معاد قرار دارد	گفته اند: «آیا وقتی می میریم و به خاک و استخوان تبدیل می شویم، زنده خواهیم شد؟»	وَكَاؤُوا يَقُولُونَ آئِنَّا مِنَّا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظًا مَا أَنَا لَمَبْعُوثُونَ (واقعه: ۴۷)
			آیا گمان کرده اید که شما را بیهوده آفریده ایم و به سوی ما باز نمی گردید؟	أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ (مؤمنون: ۱۱۵)

تعداد موارد	اقدامات (مفهوم و کد مشترک)	مضمون و کد اولیه	ترجمه	آیه
۱۳۴	انفعال در روابط با دشمنان	مؤمنان نسبت به دسیسه‌های روانی و شبهات مخالفان بی تفاوت نیستند	این جز زندگی دنیوی ما نیست، می‌میریم و زنده می‌شویم و ما مبعوث نخواهیم شد	إِنَّ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ (مؤمنون: ۳۷)
			بین چطور به تو مثل‌هایی زده‌اند و گمراه شده‌اند و نمی‌توانند راهی بیابند	انظُرْ كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَالَ فَضَلُّوا فَلَا يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلًا (اسراء: ۴۸)
۵۱	تأثیرپذیری از محیط‌های استکباری و طاغوتی	توزیع نامناسب ثروت موجب شکل‌گیری روابط ظالمانه در جامعه مطلوب است	قارون از قوم موسی بود و بر آن‌ها ستم کرد و ما به او از گنج‌ها عطا کردیم که کلیدهای آن بر گروهی نیرومند سنگین بود. قومش به او گفتند: «خوشحال نباش، زیرا خداوند شادمانان را دوست ندارد»	إِنَّ قَارُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى فَبَغَى عَلَيْهِمْ وَآتَيْنَاهُ مِنَ الْكُنُوزِ مَا إِنَّ مَفَاتِحَهُ لَتَنُوءُ بِالْعُصْبَةِ أُولَى الْقُوَّةِ إِذْ قَالَ لَهُ قَوْمُهُ لَا تَفْرَحْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفَرِحِينَ (قصص: ۷۶)
			این برای آن است که پروردگارت هیچ قریه‌ای را بر ظلم هلاک نمی‌کند و اهل آن‌ها غافل‌اند	ذَلِكَ أَنْ لَمْ يَكُنْ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَى بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا غَافِلُونَ (انعام/۱۳۱)

تعداد موارد	اقدامات (مفهوم و کد مشترک)	مضمون و کد اولیه	ترجمه	آیه
۵۱	تأثیر پذیری از محیط‌های استکباری و طاغوتی	قوم‌گرایی موجب فساد جامعه می‌شود	و وقتی آن‌ها کسانی را که ایمان آورده‌اند می‌بینند، می‌گویند: «ایمان آوردیم» و وقتی به تنهایی با یکدیگر می‌نشینند، می‌گویند: آیا به آنچه خدا بر شما نازل کرده، سخن می‌گویید تا در برابر پروردگارتان با آن محاجه کنید؟ آیا شما نمی‌فهمید؟	وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَا بِبَعْضِهِمْ إِلَى بَعْضٍ قَالُوا أَتُحَدِّثُونَهُمْ بِمَا فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ لِيُحَاجُّوكُمْ بِهِ عِنْدَ رَبِّكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (بقره: ۷۶)
		جامعه مطلوب در خطر شیوع محیط‌های غیردینی و تضعیف باورهای قرآن است	و وقتی دیدید کسانی را که در آیات ما می‌خزند، از آن‌ها دوری کنید تا در گفتگوی دیگری بیفتند، و اگر شیطان شما را فراموش کرد، بعد از یادآوری با قوم ظالمین نشینید	وَإِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ وَإِمَّا يُنْسِيَنَّكَ الشَّيْطَانُ فَلَا تَتَّعِدْ بِعَدِّ الذِّكْرِى مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (انعام: ۶۸)
		مؤمنان تحت تأثیر رشد مادیات در جوامع دیگر قرار نمی‌گیرند	ناپاک و پاک برابر نیستند، حتی اگر ناپاک زیاد باشد، بنابراین، ای صاحبان عقل، از خدا بترسید که شاید رستگار شوید	قُلْ لَا يَسْتَوِي الْخَبِيثُ وَالطَّيِّبُ وَلَوْ أَعْجَبَكَ كَثْرَةُ الْخَبِيثِ فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (مائده: ۱۰۰)

تعداد موارد	اقدامات (مفهوم و کد مشترک)	مضمون و کد اولیه	ترجمه	آیه
۲۷	برقراری روابط گرم و عمیق با کافران	برقراری روابط عاطفی عمیق با دشمنان موجب تضعیف و اضمحلال جامعه مؤمنان می شود	و اگر آن‌ها به خدا و پیامبرش و آنچه به او نازل شده، ایمان می آورده‌اند، آنان را به‌عنوان دوستان نمی‌گرفتند، ولی بسیاری از آن‌ها فاسق هستند	وَلَوْ كَانُوا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالنَّبِيِّ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مَا اتَّخَذُواهُمْ أَوْلِيَاءَ وَلَكِنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ فَاسِقُونَ (مانده: ۸۱)
		مؤمنان در خطر گرایش به کافران به واسطه روابط خویشاوندی هستند	ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر پدران و برادران شما، کفر را بر ایمان ترجیح دادند، آنان را به دوستی نگیرند؛ و هرکس از شما کسانی را به دوستی بگیرد، آنان ستمگران هستند	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا آبَاءَكُمْ وَإِخْوَانَكُمْ أَوْلِيَاءَ إِنِ اسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ عَلَى الْإِيمَانِ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَوَلَّيَكَ هُمْ الظَّالِمُونَ (توبه: ۲۳)
۵	اتکا احساسی و عملی به دشمنان	مؤمنان با مشرکان و کافران رابطه سرپرستی ندارند	مؤمنان نباید کافران را به‌جای مؤمنان به‌عنوان دوستان انتخاب کنند و هر کس این کار را کند، از خداوند در چیزی بهره‌ای نخواهد داشت، مگر اینکه از آنان بترسید. خدا شما را از خود می‌ترساند.	لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً وَيَحْذَرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ (آل عمران: ۲۸)

تعداد موارد	اقدامات (مفهوم و کد مشترک)	مضمون و کد اولیه	ترجمه	آیه
۴	تأثیر پذیری از روابط ناسالم	مؤمنان در خطر تأثیر پذیری منفی از دوست‌های ناسالم هستند	او گفت: به خدا قسم، اگر به من چنین بگویی، نزدیک است که مرا به هلاکت برسانی	قَالَ تَاللَّهِ إِنْ كِدْتَ لَتُرْدِينِ (صافات: ۵۶)
			و اگر نعمت پروردگارم نبود، من از حاضرین می‌بودم	وَلَوْلَا نِعْمَةُ رَبِّي لَكُنْتُ مِنَ الْمُحْضَرِّينَ (صافات: ۵۷)
			به یقین مرا بعد آنکه به من یادآوری شد، به یاد نیاورده‌اند و شیطان برای انسان خدو لا (فرقان: ۲۹)	لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ خَذُولًا (فرقان: ۲۹)

از منظر قرآن، یکی از چالش‌های اولیه مؤمنان در روابط اجتماعی خود، پدیده انفعال و سستی در قبال دشمنان است که جامعه مؤمنان را تهدید می‌کند و برخی از آیات مرتبط با این موضوع در جدول بالا ذکر شد. قرآن تأکید می‌کند که غالباً کفار و مشرکان به خصوص اگر در موضع قدرت باشند به هویت جمعی و منافع مؤمنان حمله می‌کنند و عمل شرایطی را ایجاد می‌کند که انفعال و سستی در برابر چنین حملاتی ارزش‌های جامعه مؤمنان را تضعیف می‌کند (آل عمران: ۱۱۸). یکی از این کوتاهی‌ها، پذیرش ولایت کفار و برقراری دوستی‌های عمیق با



غیر مؤمنان است که تضعیف ایمان و ارزش‌های الهی را در میان مؤمنان را در پی دارد (انفال: ۷۳). قرآن نسبت به خطرات عقب‌نشینی از جهاد و کوتاهی در حفظ اعتقادات در مواجهه با ناملازمات هشدار می‌دهد و عدم مقاومت در شرایط سخت می‌تواند شرایط جامعه را بدتر کند (انفال: ۴۵). وقتی مؤمنان نسبت به اقدامات دشمنان بی‌تفاوتی و سستی نشان دهند، در خطر کم‌رنگ شدن هویت اجتماعی خود و چندپارگی و تشتت می‌شوند. این انفعال امکان فرسایش تدریجی ایمان و ارزش‌های جامعه را در سطح فری و جمعی تسریع می‌کند. در مقابل، قرآن تأکید می‌کند که پاسخ هوشیارانه به دشمنان می‌تواند احساس همبستگی را در بین مؤمنان تقویت کند (توبه: ۱۳). در شرایطی که دشمنان به دلیل عدم پاسخ مناسب از سوی مؤمنان، جسارت پیدا می‌کنند، عمل جریان قدرت از مؤمنان به سمت دشمنانی که باروش‌های مختلف مخالفت می‌کنند، تغییر می‌کند. تأکید قرآن بر ایستادگی در برابر دشمنان بر این مبناست که آگاهی به درک تعارض اجتماعی با دشمنان به‌عنوان یک مبارزه اساسی (جهاد) و تلاش برای حفظ یکپارچگی در میان مؤمنان است. قرآن هنجارهای روشنی در مورد چگونگی واکنش مؤمنان به دشمنان در شرایط مختلف خود بیان می‌کند و انفعال و سستی نشان‌دهنده انحراف از این هنجارهای ثابت و مهم است. عادی‌سازی سستی و کوتاهی در مقابل دشمنان ممکن است بر نسل بعدی نیز تأثیر بگذارد که انفعال را قابل قبول بدانند و با توجهات به‌ظاهر منطقی اصول مقاومت و تعامل پیشگیرانه در مقابل دشمنان را تضعیف سازد و عمل کیان جامعه مؤمنان در خطر اضمحلال قرار می‌گیرد. در هنگامی که باید محکم در مقابل دشمنان ایستاد، مواضع منفعلانه باعث ایجاد محیطی از عدم اطمینان در درون گروه مؤمنان می‌شود و وفاداری در بین اعضا را به خطر می‌اندازد. وقتی افراد متوجه عدم اقدام جدی علیه دشمنان شوند، ممکن است تعهد خود را نسبت به جامعه مؤمنان به‌مرور از دست بدهند. بنابراین قرآن به‌صراحت نسبت به انفعال و سستی در روابط خصمانه با دشمنان هشدار می‌دهد و چارچوبی ارائه می‌دهد که بر اهمیت هوشیاری و مشارکت فعال در مواجهه با مخالفت‌ها تأکید می‌کند.

از اقدامات سلبی دیگر که قرآن برای تنظیم مؤثر روابط اجتماعی از آن پرهیز داده، تأثیرپذیری از محیط‌های استکباری و طاغوتی است. قرآن صراحتاً به خطرات ناشی از چنین روابط و

محیط‌هایی می‌پردازد و آن‌ها را نه تنها برای شخصیت فردی، بلکه برای اهداف جامعه مؤمنان مضر می‌داند (انعام: ۱۱۶). قرآن به‌خصوص به این موضوع می‌پردازد که چگونه محیط‌های ظالمانه و استکباری نه تنها می‌توانند موجب از بین رفتن پیوندهای سالم و ضروری میان انسان‌ها باشند بلکه موجب تخریب و فساد گسترده در زمین باشند. محیط‌های استکباری و متکبرانه ساختار هویتی منفی را تقویت می‌کنند و اغلب افراد را در نسبت رابطه آن‌ها با قدرت تعریف می‌کنند تا ارزش ذاتی افراد. روشن است که فرارگرفتن در چنین محیط‌هایی تا چه اندازه مانع رشد فردی و جمعی خواهد بود و به همین دلیل قرآن در چنین شرایطی برای پرهیز از تأثیرپذیری منفی به مؤمنان توصیه به مهاجرت می‌کند (عنکبوت: ۵۶).

قرآن به‌صراحت نسبت به برهم خوردن مرزهای تفکیک‌کننده بین مؤمنان و غیرمؤمنان هشدار می‌دهد و تأکید می‌کند که برقراری روابط گرم و عمیق با کافران به‌عنوان کسانی که باورها و عقایدشان هیچ مشابهتی با مؤمنان ندارد، می‌تواند روابط اجتماعی مؤمنان و شکل‌گیری ساختار جامعه توحیدی را تضعیف کند. خطر اولویت دادن به پیوندهای خانوادگی و عاطفی بر روابط ایمانی (توبه: ۲۳) برقرار روابط دوستانه عمیق با کافران و مشرکان (آل عمران: ۲۸) و اطاعت از خواسته‌های کافران (آل عمران: ۱۴۹) تنها نمونه‌هایی از این هشدارهای قرآن به مؤمنان است. در واقع برقراری روابط عمیق و گرم دشمنان می‌تواند مؤمنان را به سمت اتخاذ هویت‌های متضاد سوق دهد که تعهدات مذهبی خود را نادیده بگیرند. از این رو قرآن تأکید می‌کند که وفاداری به ایمان و توحید باید مقدم بر پیوندهای خانوادگی یا اجتماعی باشد و چارچوبی روشن برای شکل‌گیری هویت اجتماعی تلقی شود. روابط عمیق و عاطفی با کافران و مشرکان ممکن است منجر به سوءظن در روابط اجتماعی و اختلال در اعتماد متقابل و کاهش سرمایه اجتماعی گردد. از جنبه‌ای دیگر آموزه‌های قرآنی بر ضرورت حفظ هویت فرهنگی در تمایز روشن با کافران تأکید دارد و روابط نزدیک با آن‌ها می‌تواند ارزش‌های فرهنگی مبتنی بر آموزه‌های پیامبران را کم‌رنگ و به فرسایش تدریجی هنجاری مبتنی بر آن ارزش‌ها منجر شود.

یکی دیگر از پرهیزهای قرآنی، انکای احساسی و عملی به نظرات دشمنان است. اهمیت یافتن قضاوت و ارزیابی‌های مخالفان برای مؤمنان می‌تواند افراد و گروه‌ها را به سمت



اتخاذ هویت‌های منفی سوق دهد که براساس ارزش‌ها و هنجارهای دشمن شکل گرفته است و ایجادکننده دیدگاهی دوگانه از خود در مقابل دیگری را تقویت می‌کند و هویتی را ترویج می‌کند که واکنشی (منفعلا نه) است تا فعالانه. علاوه بر این هنگامی که مؤمنان به قضاوت‌ها مخالفان و دشمنان وابستگی عاطفی داشته باشند و برای شان مهم تلقی شود، انسجام اجتماعی رو به تضعیف می‌رود و باعث ایجاد تفرقه شود (انفال: ۷۳). در واقع ظرفیت فساد زمانی افزایش می‌یابد که مؤمنان توجه به نظر افراد خارجی را بر جامعه خود ترجیح دهند و در نتیجه روابط اجتماعی از هم گسسته می‌شود. اتکای عاطفی به دشمنان ممکن است منجر به این شود که افراد نقاط قوت جامعه خود را نادیده بگیرند و خود را با کسانی که با منافع آن‌ها دشمن هستند، هماهنگ کنند. اجتناب از اتکا احساسی و عاطفی به دشمنان مستلزم خودکنترلی و تقوای الهی نیز هست. آیاتی همچون ۲۸ آل عمران نشان می‌دهد که سستی در برابر وسوسه پیروی احساسی از کافران و قضاوت آن‌ها نسبت به ابعاد زندگی مؤمنان تا چه اندازه می‌تواند برای ایمان و صداقت افراد مخرب و آسیب‌زا باشد.

به عنوان آخرین اقدام سلبی که در جدول فوق به آن اشاره شده است می‌توان به پرهیز قرآن نسبت به تأثیرپذیری از روابط ناسالم پرداخت. روابط ناسالم می‌تواند ادراک و هویت افراد نسبت به خود و جامعه را مخدوش کند؛ زیرا با تداوم این ارتباطات ناسالم، ممکن است به تدریج معانی مخرب را درونی کنند و به لحاظ رفتاری نیز از مؤمنان واقعی فاصله بگیرند. همچنین آسیب‌پذیری در برابر تأثیرات منفی روابط ناسالم می‌تواند توانایی مؤمنان را در تمسک به فضایل اخلاقی مختل سازد و همان‌طور که آیه ۲۹ سوره فرقان نشان می‌دهد، انحطاط معنوی می‌تواند زمانی رخ دهد که افراد درگیر روابط ناسالم می‌شوند. ازدیگرسو، هنگامی که برخی از اعضای جامعه روابط ناسالم با مفسدان را می‌پذیرند، عمل هنجارهای فرهنگی و ارزش‌های مثبت جامعه را تضعیف می‌کنند (فرقان: ۲۹) تداوم و گسترش چنین وضعیتی می‌تواند رفتارهای ناسازگارانه با جامعه ایمانی را تسهیل و پایبندی به معیارهای ارزشی و اخلاقی مشترک را کاهش دهد.

۳. مقایسه صورت‌بندی قرآن با الگوهای رایج انسجام اجتماعی

یافته‌های قرآنی مقاله نشان می‌دهد که تنظیم روابط اجتماعی در جامعه توحیدی بر مجموعه‌ای از مؤلفه‌های هنجاری، اخلاقی و اعتقادی استوار است که هدف آن‌ها ایجاد انسجامی درونی و پایدار در میان کنشگران اجتماعی است. با این حال، برای ارزیابی مرجعیت اجتماعی این طرح، لازم است آن را در نسبت با برخی الگوهای رایج تنظیم روابط اجتماعی در جوامع معاصر مورد مقایسه قرار داد. در واقع بدون این مقایسه، نمی‌توان به‌طور دقیق نشان داد که تمایز یا مزیت الگوی قرآنی در کجاست؟

در جوامع مدرن غیردینی، انسجام اجتماعی عمدتاً از طریق نهادهای حقوقی، بوروکراتیک و سازوکارهای رسمی کنترل اجتماعی تأمین می‌شود. نظریه معروف دورکیم نشان می‌دهد که در این جوامع، قانون و تقسیم کار اجتماعی نقش محوری در حفظ نظم ایفا می‌کنند، اما همزمان خطر آنومی^۱ و تضعیف پیوندهای اخلاقی نیز افزایش می‌یابد (Durkheim, 1995). پژوهش‌های معاصر نیز حاکی از آن است که کاهش سرمایه اجتماعی و فرسایش اعتماد متقابل، یکی از چالش‌های جدی جوامع مدرن است (Putnam, 2000).

در مقابل، صورت‌بندی قرآنی تنظیم روابط اجتماعی بر پیوند همزمان ایمان، اخلاق و کنش اجتماعی تأکید دارد. در این الگو، کنترل اجتماعی صرفاً بیرونی و نهادی نیست، بلکه به‌نوعی درونی و مبتنی بر تعهد ایمانی و مسئولیت اخلاقی کنشگران است. در حقیقت قرآن با پیوند دادن روابط اجتماعی به افق توحید، نوعی انسجام معنابنیاد ایجاد می‌کند که فراتر از الزام حقوقی عمل می‌کند. این تمایز سبب می‌شود نظم اجتماعی نه فقط نتیجه ترس از مجازات، بلکه محصول درونی شدن هنجارها باشد.

با این حال، این مقایسه نشان می‌دهد که الگوی قرآنی در سطح نظری از ظرفیت بالایی برای تولید انسجام برخوردار است؛ اما در سطح تحقق اجتماعی با چالش‌هایی مواجه است که الگوهای مدرن به شیوه‌ای دیگر با آن‌ها مواجه شده‌اند. به‌نوعی جوامع مدرن توانسته‌اند از طریق نهادسازی و تجربه تاریخی، سازوکارهای اجرایی نسبتاً پایداری برای تنظیم روابط

1. Anomie.

درمقابل، جوامع دینی اغلب باشکاف میان ارزش‌ها و هنجارهای متعالی دینی و سازوکارهای اجرایی روبه‌رو هستند. به‌نوعی قرآن افق‌های ارزشی و هنجاری بلندی برای عدالت، همبستگی و مسئولیت اجتماعی ترسیم می‌کند، اما تحقق این افق‌ها مستلزم تبدیل تدریجی آن‌ها به نهادهای اجتماعی سازگار با پیچیدگی‌های جهان مدرن است. هلاق با تحلیل انتقادی دولت مدرن نشان می‌دهد که بحران جوامع اسلامی معاصر بیش از آنکه بحران شریعت باشد، بحران نهادسازی اخلاقی در چارچوب ساختارهای مدرن قدرت است. (Hallaq, 2013, pp. 53-57). درحقیقت فاصله میان اخلاق دینی و منطق نهادی، یکی از موانع اصلی تحقق اجتماعی آموزه‌های دینی است.

مطالعات تطبیقی جدید در حوزه دین و توسعه نیز نشان می‌دهد که موفقیت نسبی جوامع سکولار بیش از آنکه ناشی از طرد دین باشد، حاصل تفکیک کارکردی حوزه‌های دینی، حقوقی و سیاسی است. به‌عنوان نمونه کورو با بررسی تطبیقی جوامع مسلمان و غیرمسلمان نشان می‌دهد که پیوند دولت اقتدارگرا با دین، اغلب مانع نهادسازی عقلانی و پاسخگو شده است؛ درحالی‌که جدایی نسبی این حوزه‌ها امکان رشد نهادهای کارآمد را فراهم کرده است. (Kuru, 2019, pp. 111-112).

یکی از سوءبرداشت‌های رایج در تحلیل‌های دینی آن است که گمان می‌شود قرآن صرفاً با ارائه مجموعه‌ای از هنجارهای اخلاقی و اجتماعی، تحقق جامعه مطلوب را تضمین می‌کند. درحقیقت بررسی دقیق آیات قرآن نشان می‌دهد که این متن نه تنها از پیچیدگی تحقق اجتماعی غافل نیست، بلکه به‌صراحت بر فاصله میان هدایت هنجاری و تحقق تاریخی تأکید دارد. قرآن بارها نشان می‌دهد که ایمان و ارزش‌های الهی تنها در صورت عبور از فرایندهای اجتماعی مشخص به نظم پایدار تبدیل می‌شوند.

نخستین راهکار قرآنی برای تحقق اجتماعی آموزه‌ها، تأکید بر تغییر تدریجی کنشگران اجتماعی است. آیه ۱۱ سوره رعد: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ﴾ نشان می‌دهد که تحول اجتماعی از درون انسان‌ها و جامعه آغاز می‌شود و بدون دگرگونی آگاهی، اراده و کنش افراد، هیچ نظم دینی پایداری شکل نمی‌گیرد. درواقع قرآن تحقق اجتماعی را امری

فرآیندی می‌داند، نه دستوری.

دومین سازوکار پیشنهادی قرآن، تأکید بر شکل‌گیری جماعت سازمان‌یافته^۱ است. قرآن بارها از امت به‌عنوان یک واحد اجتماعی فعال یاد می‌کند که وظیفه‌اش امر به معروف و نهی از منکر است. این مفهوم نشان می‌دهد که تحقق هنجارهای اجتماعی صرفاً بر عهده دولت یا فرد نیست، بلکه نیازمند شبکه‌ای از کنش جمعی است که هنجارها را بازتولید و مراقبت اجتماعی را نهادینه می‌کند. به‌نوعی قرآن بر نوعی نظارت اجتماعی درونی و افقی تأکید دارد، نه صرفاً کنترل بیرونی. سومین عنصر در منطق قرآنی تحقق اجتماعی، پذیرش نقش عقل و تجربه انسانی است. قرآن در موارد متعدد انسان را به تعقل، تدبر و مشورت فرا می‌خواند. تأکید بر امر شوری نشان می‌دهد که اداره امور اجتماعی نه از طریق نص‌گرایی ایستا، بلکه از مسیر گفت‌وگوی عقلانی و تصمیم‌گیری جمعی صورت می‌گیرد. در حقیقت قرآن چارچوب‌های هنجاری را تثبیت می‌کند، اما شکل تحقق آن‌ها را به عقل جمعی و تجربه تاریخی واگذار می‌کند.

چهارم آنکه قرآن به‌صراحت از امکان شکست، انحراف و ناکامی جوامع دینی سخن می‌گوید. اشاره‌های مکرر به سرنوشت امت‌های پیشین نشان می‌دهد که برخورداری از وحی به‌تنهایی ضامن تحقق جامعه مطلوب نیست. این آیات به‌نوعی هشدار می‌دهند که هر طرح دینی اگر به نهادهای پایدار، یادگیری تاریخی و اصلاح مستمر پیوست نشود، دچار فرسایش خواهد شد.

نتیجه‌گیری

با دقت در محتوای آیات قرآنی، مشخص می‌شود که تنظیم روابط در جامعه توحیدی موردنظر قرآن، براساس دو مفهوم کلیدی «ایمان و کفر» صورت می‌گیرد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که قرآن در فضاهاى مختلف اجتماعى، راه‌های متعددی برای تعامل صحیح مؤمنان با یکدیگر و با دیگر گروه‌ها ارائه کرده است که آن‌ها را می‌توان به دو بخش اصلی اقدامات ایجابی - که انجام آن‌ها از نظر قرآن لازم و مؤکد است - و اقدامات سلبی - که از نظر قرآن تهدید و خطر برای

1. Organized community.

مؤمنان است. صورت‌بندی کرد.

اقدامات ایجابی عبارت است از: توسعه روابط برادری؛ احتیاط در برابر منافقان؛ تنظیم روابط با اهل سایر ادیان.

به موازات اینها، اقدامات سلبی نیز عبارت است از: انفعال و سستی در قبال دشمنان؛ تأثیر پذیری از محیط‌های طاغوتی؛ برقراری روابط عمیق با کافران.

مبتنی بر یافته‌های تحقیق، پیشنهادهاى زیر برای ارتقای سطح روابط اجتماعی متناسب با موضوع مناسب است:

۱. ارزیابی، نقد و توسعه برنامه‌های آموزشی که به تبیین اصول توحیدی و تأثیرات آن بر روابط اجتماعی بپردازند، می‌تواند در ایجاد تغییر فرهنگی متناسب با آموزه‌های قرآن نقش تعیین‌کننده داشته باشد.

۲. ایجاد فضاهای گفتگو و تبادل نظر چه در موضوعات داخلی جامعه و چه میان پیروان ادیان مختلف سبب تقریب اندیشه و مناسبات انسانی است. همچنین ایجاد زمینه برای تشکیل کانون‌های مدنی که به ترویج فرهنگ همزیستی و احترام متقابل بین گروه‌های اجتماعی بپردازند و از منافع مشترک آحاد جامعه دفاع کنند در این مسیر می‌تواند مؤثر باشد.

۳. قرآن بر اهمیت روابط برادرانه میان مؤمنان تأکید می‌کند. می‌توان با استفاده از برخی از روش‌ها این روابط را در سطوح مختلف مستحکم‌تر کرد. در سطح تبیینی و مفهومی جامعه نیاز فکری زیادی برای آشنایی و شکل‌گیری هرچه بیشتر فرهنگ اخوت و برادری چه در سطح داخلی جامعه و چه در سطح بین‌المللی با مؤمنان واقعی دارد. همچنین متناسب با این سطوح سازماندهی فعالیت‌های داوطلبانه و خیریه به‌عنوان یک الگوی عملی برای تقویت همکاری و همیاری متقابل امری بدیهی به نظر می‌رسد.

۴. باتوجه‌به تأکیدات زیاد قرآن بر هشدار به مؤمنان نسبت به نفاق، گسترش آگاهی و گنجاندن مضامین مرتبط با نفاق و تأثیرات سوء آن بر جامعه در برنامه‌های آموزشی و مذهبی برای شناخت و تفکیک رفتارهای منافقانه و صادقانه در سطوح مختلف جامعه ضروری به نظر می‌رسد.

۵. قوانین باید بر احترام به حقوق بشر و حرمت‌های انسانی مبتنی باشند و هرگونه تبعیض و نژادپرستی را محکوم کنند.

در مجموع، با توجه به یافته‌های تحقیق و مقایسه آن با مطالعات مشابه، می‌توان نتیجه گرفت که سیاست‌های اجتماعی و فرهنگی مبتنی بر آموزه‌های قرآن می‌توانند به برقراری یک جامعه یکپارچه و توحیدی کمک کنند. چنین جامعه‌ای نه تنها به سعادت‌مندی مؤمنان منجر می‌شود؛ بلکه به تقویت مبانی اجتماعی و فرهنگی جامعه نیز یاری خواهد رساند و می‌تواند به عنوان یک نقشه راه برای مسلمانان در ایجاد روابط سازنده و مثبت با یکدیگر و با سایر اقشار جامعه مورد استفاده قرار گیرند.



منابع

* قرآن کریم.

۱. ابراهیمی، کاظم (۱۳۸۶)، کارکردهای اجتماعی توحید، روزنامه کیهان، <https://rasekhoon.net/article/show/110148>
۲. اخلاقی، حلیمه، حسین شرف‌الدین، محمد مهدی صفوری پاریزی، غلام‌علی عزیزی کیا (۱۳۹۶)، مبانی هستی‌شناختی سبک زندگی طیبه از دیدگاه قرآن کریم، پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده، سال پنجم، شماره ۸، تابستان ۱۳۹۶، صص ۱۰۷-۱۲۸.
۳. جانی‌پور، محمد (۱۳۹۶)، کارکردهای کیفی استفاده از روش تحلیل محتوا در فهم احادیث، دوفصلنامه علوم قرآن و حدیث، دوره ۴۹، شماره ۱، شماره پیاپی ۹۸، فروردین ۱۳۹۶، صص ۲۹-۵۲.
۴. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۱)، صورت و سیرت انسان در قرآن کریم، قم: اسراء.
۵. صدری فر، نبی‌الله، محمدرضا ضمیری، محمد مولوی، محمدصادق جمشیدی‌راد (۱۳۹۶)، واکاوی سنت و ساختار تغییرات اجتماعی (با تأکید بر آیه ۱۱ سوره رعد) فصلنامه علمی - پژوهشی نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان، سال هفتم، شماره یک، ۱۳۹۶، صص ۱۳۹-۱۵۸.
۶. صدیق‌اورعی، غلامرضا، احمد فرزانه، مهدیه باقری، سیده‌شیوا محمدی (۱۳۹۹)، مبانی جامعه‌شناسی (مفاهیم و گزاره‌های پایه)، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۷. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۸)، تفسیر المیزان، مترجم: محمدباقر موسوی، ناشر: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۸. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۹. کریپندورف، کلوس (۱۳۸۳)، تحلیل محتوا: مبانی روش‌شناسی، ترجمه هوشنگ ناییبی، تهران: نشر نی.

۱۰. محمدپور، احمد، تحلیل داده‌های کیفی: رویه‌ها و مدل‌ها، مجله انسان‌شناسی (نامه

انسان‌شناسی)، سال ۱۳۸۸، دوره: ۲، شماره ۱۰، صص ۱۲۷-۱۶۰.

11. Acemoglu, D., & Robinson, J. A. (2019). *The narrow corridor: States, societies, and the fate of liberty*. New York, NY: Penguin Press.
12. Birt L, Scott S, Cavers D, Campbell C, Walter F. (2016) Member Checking: A Tool to Enhance Trustworthiness or Merely a Nod to Validation? *Qualitative Health Research*. 2016;26(13):1802-1811.
13. Braun, V, & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77-101.
14. Durkheim, E. (1995). *The elementary forms of religious life* (K. E. Fields, Trans.). New York, NY: Free Press.
15. Giddens, A. (1990). *The consequences of modernity*. Polity Press.
16. Hallaq, W. B. (2013). *The impossible state: Islam, politics, and modernity's moral predicament*. New York, NY: Columbia University Press.
17. Kuru, A. T. (2019). *Islam, authoritarianism, and underdevelopment: A global and historical comparison*. Cambridge: Cambridge University Press.
18. Nasr, S. H. (2004). *The heart of Islam: Enduring values for humanity*. Harper, San Francisco.
19. North, D. C., Wallis, J. J., & Weingast, B. R. (2009). *Violence and social orders: A conceptual framework for interpreting recorded*



human history. Cambridge: Cambridge University Press.

20. Plantinga, H. (2010). Social norms and values in changing societies. Springer.
21. Putnam, R. D. (2000). Bowling alone: The collapse and revival of American community. New York, NY: Simon and Schuster.
22. Tocqueville, A. de. (2000). Democracy in America (H. Reeve, Trans.). Liberty Fund. (Original work published 1840).